



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۳/۰۶

محمد مُحج

## چرا با طال بان مخالفیم؟

### از طال بان قباحت‌زدایی نکنید

ما می‌دانیم و می‌بینیم که افراد و گروه‌هایی برای قباحت‌زدایی از طال بان کمر بسته‌اند، و می‌کوشند روایتی ساختگی و کاذب را در باره این گروه ترویج کنند مبنی بر این‌که گویا با دهه نود تفاوت کرده‌اند، تا مردم افغانستان و همچنان جامعه جهانی آنان را به عنوان واقعیت غیر قابل انکار بپذیرند. این تلاش‌ها، با هر انگیزه‌ای که باشد، تلاش‌هایی کثیف است که سرانجامی جز افزودن بر سیاه‌رنگی‌های بی‌شمار و بی‌پایان این مردم فلاکت‌زده در پی نخواهد داشت.

اکثریت مردم افغانستان با طال بان مخالف هستند. اگر شماری از مردم با انگیزه‌های صرفاً قومی یا سیاسی با این گروه مخالف هستند/باشند، شمار بیشتری از مردم، به شمول من و امثال من، مخالفت شان در گام نخست به دلایل انسانی و اسلامی و در گام بعدی به دلایل ملی و مردمی است.

در این‌جا به صورت فشرده بیان می‌کنم که چرا ما با طال بان مخالفیم، و بدون تغییری بنیادی در وضعیت کشور از این مخالفت دست نمی‌کشیم، و ناگزیریم تا جایی که در توان داریم برای این تغییر تلاش کنیم.

### دلایل مخالفت ما با طال بان:

۱. این گروه ساخته دست استخبارات منطقه و مزدور سرسپرده پاکستان است، و باوری به منافع ملی ندارد. البته تعامل معقول و منطقی با پاکستان، به مثابه یکی از همسایه‌های متنفذ افغانستان، علی‌رغم همه آسیبی که به ما رسانده است، موضوع جدایی است، و همه گروه‌های سیاسی کشور باید راهکاری معقول برای تعامل و برقراری روابط حسنه با آن کشور پیدا کنند، بدون این‌که طوق بردگی آن را به گردن بيفکنند. این اما با مزدوری بسیار فرق دارد. هر کس که مزدوری طال بان برای پاکستان را نمی‌بیند و خود را به هر علتی به کوری می‌زند، برای شان باید گفت:

انها لا تعمی الابصار و لکن تعمی القلوب اللتی فی الصدور! افغانستان امروز کشوری سرتاپا اشغال شده است، و مردم این کشور در هیچ زمینه‌ای اختیاردار زندگی خود نیستند.

۲. این گروه نماینده متحجرانه‌ترین قرائت افراطی و بنیادگرایانه از اسلام است، و چنین قرائتی از دین به تنهایی کافی است که سبب تباهی و نابودی جوامع انسانی شود. گروه‌های بنیادگرای افراطی که مایه مصیبت جهان اسلامند یکی دو تا نیستند، و شمارشان فراوان است، اما هیچ کدام در قباحت خود به اندازه طال بان نیست، جز داعش که شباهت فراوانی به این گروه دارد، و از همان رو رقابت سختی با هم دارند.

۳. این گروه در پی سلطه‌جویی نژادپرستانه برای یک قوم است، و در درون آن قوم نیز در پی برتری‌جویی‌ها و انتقام‌گیری‌های قبیله‌ای است و به برابری نژادها و مساوات اقوام باور ندارد و عدالت شهروندی را تحمل نمی‌کند. این گرایش تبارگرایانه یکی از عوامل بی‌ثباتی و نزاع خونین در صد سال اخیر بوده و در آینده نیز سبب خون‌ریزی‌ها، آوارگی‌ها و درد به دری‌های بی‌پایانی برای همه ساکنان این سرزمین خواهد بود. شمار محدودی از چهره‌های متعلق به سایر اقوام که برای تزیین و دیکوریشن از سوی این گروه به خدمت گرفته شده‌اند آدم‌های فرصت‌طلب و کم‌مایه‌ای‌اند که خواست عدالت‌خواهی مردم را تضعیف کرده، سبب شکاف بیش‌تر صفوف شده، و قبل از همه به قوم و تبار خود خیانت روا می‌دارند. در اثر سلطه این گروه، تنش‌های قومی و تباری به اوج خود رسیده و هیچ‌گاه در تاریخ این کشور به این پیمان‌ناشسته وجود نداشته است. این گروه سبب شده است که صداهای جدایی‌خواهی و تجزیه‌طلبی به صورت فزاینده طرفدار پیدا کند، و بیش از هر زمان دیگری، میلیون‌ها انسان این سرزمین به فکر فرار از خانه و

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: د لیکنی د لیکنیزي بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

آشپانه خود باشند. این مشکل هیچ گاه برطرف نخواهد شد مگر آنکه کرامت انسانی مبنای تثبیت حقوق و جایگاه یکسان برای تمام شهروندان باشد و هر گونه تبعیض به پایان برسد.

۴. این گروه به تخصص و توانایی‌های مسلکی باور ندارد و مانند دیگر نظام‌های ایدئولوژیک، همه مناصب کلیدی کشور را، بدون در نظر گرفتن توانایی و شایستگی، به افراد خاص خود داده است، و افراد خاص این گروه ملایان بی‌سوادند که بنا بر معیارهای علمی جهان امروز حتی سواد دوره ابتدایی مکتب را ندارند، از وظایف مهم نظامی گرفته تا وظایف مالی، مدیریتی، علمی و. هر کشوری که به چنین وضعیتی گرفتار شود، حتی اگر بقیه معایب بالا را هم نداشته باشد کمرش خواهد شکست و زیر بار محرومیت‌ها از پا در خواهد آمد، زیرا بدیهی‌ترین اصل مدیریتی را که سپردن کارها به اهل آن‌هاست زیر پا کرده است.

۵. این گروه از نظر ساختار قدرت از نوع نظام‌های مستبد و دیکتاتور است و به هیچ صورت راضی نمی‌شود که از استبداد و تمرکزگرایی در قدرت فاصله بگیرد و به سوی مدنی‌سازی ساختار قدرت که از طریق تمرکززدایی امکان‌پذیر است گامی بردارد. هر نظام استبدادی متمرکز، صرف نظر از این‌که به چه قوم، مذهب، ایدئولوژی و گروهی تعلق داشته باشد، سبب فلاکت جامعه و سرکوب نیروها و هزاران آسیب دیگر می‌شود که از دیرباز در کتاب‌های اندیشه سیاسی توضیح داده شده است، از جمله در کتاب مشهور طبائع الاستبداد و مصارع الاستبداد از عبد الرحمن کواکبی، کتاب جامعه باز و دشمنان آن از کارل پوپر، و کتاب توتالیتاریسم از هانا آرننت. قرآن مجید در روایتی که از فرعون به دست می‌دهد او را مظهر استبداد معرفی می‌کند و مبارزه با آن را بخشی از رسالت پیامبران می‌داند. هر نظام تمرکزگرای مستبد، نظامی فرعونی است و مردم مکلفند با آن مقابله کنند.

۶. این گروه به حقوق اساسی آدمیان باور ندارد، حریم خصوصی انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد، آزادی اندیشه و آزادی بیان را بر نمی‌تابد، فردیت انسان‌ها برایش معنایی ندارد، اعتقادات و باورهای مردم برایش بی‌ارزش است، و سایر حقوقی که در دنیای امروز از ابتدایی‌ترین حقوق به رسمیت شناخته شده آدمیان است، در دیدگاه این گروه قابل درک و قابل قبول نیست. شهروندانی که با چنین رفتار خودبرتربینانه و اهانت‌آمیز رو به رو هستند چاره‌ای جز بازپس گرفتن کرامت انسانی خویش ندارند و برای اعاده عزت خود ناگزیرند مبارزه کنند، و این خود به تداوم جنگ و بی‌ثباتی منتهی خواهد شد.

۷. بدترین ظلمی که این گروه می‌کند در حق زنان است، زیرا نیمی از انسان‌های یک جامعه را از حقوق طبیعی شان محروم می‌کند، فرصت‌های آموزشی، کاری و اجتماعی را که حق طبیعی شان است از آنان باز می‌دارد، و بی‌سواد، محرومیت و عقب‌ماندگی را بر آنان تحمیل می‌کند. عواقب این موضوع در زمینه تربیت اولاد، در زمینه فعالیت‌های اجتماعی، در زمینه کارهای اقتصادی و سایر زمینه‌ها به حدی وخیم است که باید جداگانه به آن‌ها پرداخته شود. هیچ جامعه‌ای در جهان امروز نیست که با محروم نگاه داشتن زنان خود از فرصت‌های برابر، توانسته باشد پیشرفتی بکند و گامی در جهت خوشبختی بردارد. این خود مصیبتی بزرگ است که مجبور باشیم برای توضیح چنین امر بدیهی و روشنی، آن‌هم در قرن بیست و یکم، بحث و مناقشه کنیم، و چون گفتگو با این گروه به آسانی نتیجه نمی‌دهد ناچار باشیم از این سر دنیا تا آن سر به دادخواهی بپردازیم، تا بتوانیم راهی به اجازه تحصیل و تعلیم زنان کشور خود پیدا کنیم.

۸. این گروه به معاهدات، میثاق‌های بین‌المللی و عرف‌های پذیرفته شده در نظام بین‌الملل آشنایی ندارد و به آن‌ها ارزشی قایل نیست، و نمی‌داند که همه کشورهای جهان، به شمول کشورهای اسلامی از طریق احترام به چنین میثاق‌هایی مکانیسم تعامل با دنیا را یافته و راه همکاری با جهان را در پیش گرفته‌اند. انسانیت مبنای مشترک همه میثاق‌های بین‌المللی است، و این احترام به انسانیت، در احترام به جایگاه شهروند و اعتنا به رأی مردم متجلی می‌شود. هر سلطه‌ای که به میثاق‌های پذیرفته شده جهانی، به ویژه میثاق جهانی حقوق بشر بی‌اعتنایی کند و به رأی و خواست مردم بها ندهد، هم مایه بحران داخلی و هم زمینه‌ساز تشنج در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد.

این دعوا، دعوایی شخصی نیست، دعوی اکثریت مردم این سرزمین است، و مبتنی بر ارزش‌های انسانی و اسلامی است، که اگر پذیرفته شود، به سود همه ساکنان این سرزمین، به شمول طالبان، است و هیچ‌کس از آن بابت زیان نخواهد کرد. اما اگر تغییری در پایه‌ها و بنیاد قضیه نیاید، بحران ادامه خواهد یافت، و در نتیجه راهی جز مخالفت با این گروه نخواهد ماند.